

## فراخوان مقاله برای دهمین شماره نشریه آزادی اندیشه با موضوع «علم، قدرت و جنسیت در ایران» همزمان با سومین سالگرد فقدان دکتر مریم میرزاخانی

### طرح مسئله

دهمین شماره مجله آزادی اندیشه به موضوع سهم زنان در آموزش عالی و تولید علم در ایران و تاثیر آن بر رابطه قدرت در مناسبات جنسی و جنسیتی در درون جامعه ایران می‌پردازد. اهمیت طرح این موضوع در متن جامعه ایران بیش از هر چیز به شرایط ویژه این کشور و حضور یک حکومت دین‌سالار و محدودکننده فعالیت‌های اجتماعی زنان و همزمان پیشرفت‌های چشمگیر زنان در آموزش عالی و در پژوهش‌های علمی باز می‌گردد. در برخی نظریه‌های جامعه‌شناسی مربوط به موازنه جنسیتی قدرت در جامعه و تحولات آن در دهه‌های اخیر به نوع رابطه هر یک از جنس‌ها با قلمرو دانش و تولید علمی توجه شده است. در این مطالعات “زنانه” شدن آموزش عالی، پژوهش و گفتمان علمی از جمله در رابطه با اشکال واقعی یا نمادین قدرت در جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. از میان کارهای پژوهشی در این حوزه می‌توان به نیکول موسکونی جامعه‌شناس فرانسوی اشاره کرد که سهم زنان و مردان در تولید علم و گفتمان غالبی که مشروعیتش را از دنیای آکادمیک

کسب می‌کند را یکی از عوامل نابرابری قدرت میان آنها در جامعه می‌داند. از نظر او اگر مردان توانسته اند در طول دو قرن اخیر سلطه خود بر جامعه را تداوم بخشند از جمله به دلیل حضور تعیین کننده در نهادهایی است که نقش اصلی را در ساخت و پرداخت نظریه‌های علمی و گفتمان‌های مسلط در جامعه ایفا می‌کنند. بدین گونه است که مردانه بودن حوزه‌هایی مانند فرهنگ، هنر، سیاست، علوم و فن آوری زمینه ساز تداوم سلطه مردانه در جامعه هم می‌شود و به آن مشروعیت می‌بخشند.

تجربه چهار دهه گذشته ایران در حوزه دسترسی زنان به آموزش و علم از نظر جامعه شناسی پدیده بسیار مهمی به شمار می‌رود. حضور یک دولت دین سالار و سلطه یکسویه گفتمان مردسالارانه نتوانست رشد زنان در حوزه آموزش که از دهه ۱۳۴۰ آغاز شده بود را متوقف کند، بلکه به روندهای "زنانه شدن" در بخش‌هایی از آموزش عالی شتاب بخشید. همه شاخص‌های اصلی آموزشی و پژوهشی ایران نشان می‌دهند که یکی از اصلی‌ترین سویه‌های تحولات آموزش عالی در ایران در چهار دهه گذشته حضور فزاینده و پرشتاب زنان در جمعیت دانشجویی، هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها و فضای پژوهشی در ایران است. سهم زنان در جمعیت دانشجویی از حدود ۲۹ درصد در سال ۱۳۵۷ به حدود ۴۹ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. حضور زنان در هیئت‌های علمی موسسات آموزش عالی از ۱۶ درصد (۱۳۵۹) به ۲۶ درصد (۱۳۹۶) رسیده و زنان بیش از ۳۵ درصد پژوهشگران تمام وقت مراکز تحقیقی ایران را تشکیل می‌دهند. حضور زنان در همه حوزه‌های علمی یکسان نیست و رشته‌های فنی بسیار مردانه باقی مانده‌اند. حضور زنان در رشته‌های علوم تجربی از رشد چشمگیری برخوردار است.

اگر در بخش بزرگی از کشورهای دنیا موضوع برابری زن و مرد بخشی از دغدغه نظام‌های سیاسی را تشکیل می‌دهد و تلاش فراوانی برای برداشتن موانع حقوقی و عملی حضور زنان در آموزش، بازار کار و جامعه صورت می‌گیرد در ایران وضعیت گاه وارونه است. در گفتمان بخش مهمی از روحانیت و مسئولین، فرودستی زن و فرا دستی مرد از دیدگاه مذهبی توجیه می‌شود و پیرامون فضیلت‌های این نابرابری و اشکال تبعیض سخن گفته می‌شود. انعکاس

این سیاست و نگرش را می‌توان در گفتمان جنسیت‌گرای کتاب‌های درسی ایران، در جدا سازی جنسیتی مدارس، در حجاب اجباری، و در ممنوعیت ورود زنان در تعدادی از رشته‌های تحصیلی و شغلی نیز مشاهده کرد.

کارهای پژوهشی بیست ساله اخیر درباره آموزش زنان در ایران نشان می‌دهند که پیشرفت زنان در حوزه دانشگاه، علم و فرهنگ دارای سویه‌های گوناگون و گاه متناقض (پارادوکسال) است. به نظر می‌رسد سیاست اسلامی کردن مدارس و دانشگاه‌ها تاثیر چندانی بر رابطه طبقه متوسط با نهادهای آموزشی نداشته اما همزمان سبب شده از مخالفت و بدبینی گروه‌های سنتی جامعه نسبت به آموزش دختران بویژه در سطح متوسطه و عالی کاسته شود. خواندن، نوشتن، آموختن و دسترسی به دانش و فرهنگ شاید بیش از هر عامل دیگری سبب دگرگونی وضعیت زنان و شکل‌گیری ذهنیت و هوشیاری جدید زنانه شده است. دگرگون شدن شاخص‌های کلان و نیز الگوهای رفتاری از جمله در حوزه جمعیت‌شناسانه، آموزش، فرهنگ و بازار کار حکایت از تحولات ژرف جامعه شناسانه این دوران و پویایی درونی بی‌نظیر بخش بزرگی از زنان ایران دارد.

پیشرفت آموزشی برای دختران می‌تواند نوعی مقاومت فردی و اجتماعی باشد برای حضور پررنگ‌تر در سطح خانواده و جامعه. همه شواهد نشان می‌دهند آموزشی که گفتمان غالب آن را فرو دستی زنانه تشکیل می‌دهد در عمل به ابزار اصلی توانمند سازی زنان در جامعه تبدیل شده است.

همزمان تفاوت مهم ایران با بسیاری کشورهای دیگر سخت جانی بازار کار مردانه و آهنگ کند زنانه شدن آن در شمار بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی و بیکاری گسترده زنانه است که از آموزش عالی و تخصص برخوردارند. یکی از نتایج این تحولات ناموزون رشد پدیده مهاجرت زنان متخصص و پژوهشگر از ایران است.

بنابراین وقتی سخن از "زنانه" شدن دانشگاه‌ها میشود منظور چیست؟ آیا هدف چرخش از واقعیت کنونی "مردانه" بودن علوم و فنون، به سوی "زنانه" شدن آن است یا هدف ایجاد توازن و تعادل تساوی جویانه جنسیتی است،



یعنی حل مسئله پایه ای تر فلسفی و معرفت شناختی جنسیت و علم است؟ چنانکه در مباحث "فلسفه علم" توسط فیلسوفان فمینیستی چون ساندر هاردینگ آمریکایی مطرح شده است که تلاش داشته اند از زاویه بررسی "مسئله زن در علم تا مسئله علم در فمینیسم" حرکت کنند و علم و متدولوژی علمی را از سلطه نگرش یک جانبه مردانه رها سازند. آیا چنین تلاشی در ایران با وجود افزایش کمی حضور زنان، هنوز از لحاظ کیفی در مراحل اولیه قرار ندارد؟ آیا زنان از طریق آموزش و دسترسی به فرهنگ، مهارت ها و دانش دانشگاهی جایگاه واقعی و نمادین خود در جامعه را بگونه ای چشمگیر ارتقا بخشیده اند؟ و آیا توانسته اند به بازیگران اجتماعی و عامل اصلی دگرگون سازی جامعه در دو-سه دهه اخیر تبدیل شوند؟ آیا حضور فزاینده شمار بزرگی از نویسندگان، هنرمندان، پژوهشگران و متخصصین زن در عرصه عمومی نقش مهمی در دگرگون کردن تصویر زنان در جامعه ایفا کرده است؟

بازخوانی نظریه های اصلی مربوط به جنسیت و علم و نیز کارهای پژوهشی که در حوزه دسترسی زنان به آموزش عالی و بازار کار در ایران انجام شده، پرسش های مهمی را در رابطه با معنا و سمت و سوی تحولات دنیای آکادمیک و پژوهش و نیز نقش و جایگاه زنان به میان می کشد. نظریه ها و مفاهیم اصلی مطرح شده در حوزه علم، جنسیت و رابطه قدرت در جامعه تا چه اندازه در رابطه با شرایط ویژه ایران از اعتبار برخوردارند؟ پژوهش های مربوط به دسترسی زنان به آموزش عالی و دنیای پژوهشی و بازار کار تا چه اندازه به مسئله قدرت و جنسیت در جامعه می پردازند؟ چه شباهت ها و تفاوت هایی میان تحولات زنان ایران در حوزه آموزش عالی با کشورهای مشابه (ترکیه، تونس، هند، مصر...) وجود دارد؟ برای تغییر در این آهنگ کند تحول در بازار کار و سخت جانی مردانه آن چه راهکارهایی پیشنهاد میشود؟

هدف این شماره آزادی اندیشه پرداختن به این پرسش های اساسی تحلیل پدیده "زنانه شدن" آموزش عالی، پژوهش های علمی و فرهنگی در ایران و بررسی سنجشگرانه وضعیت امروزی زنان و محدودیت ها و چالش های آن است. این شماره نشریه آزادی اندیشه که بزبان فارسی در خارج از

کشور منتشر می شود فرصت جدیدی است برای بوجود آوردن پلی میان پژوهش‌های داخل ایران و نیز کارهای دانشگاهی که به زبان‌های دیگر در مورد ایران یا کشورهای مشابه پیرامون زنان و آموزش عالی و پژوهش انجام گرفته اند. مقالات پیشنهادی می‌توانند به سویه‌های مختلف این موضوع در دنیای آکادمیک، بازار کار و یا در جامعه بپردازند. مطالعات تطبیقی با کشورهای مشابه، بحث‌های نظری و یا نظریه‌های فمینیستی درباره رابطه آموزش، علم و جنسیت می‌توانند به شناخت بهتر این پدیده در ایران یاری رسانند. مقالات پیشنهادی باید با رویکرد پژوهشی و آکادمیک به موضوع بپردازند. هدف اصلی مشارکت سنجشگرانه و دیالوگ علمی و نظری مربوط به نقش و جایگاه زنان در ایران امروز است. در این شماره همچنین مقاله ای در بزرگداشت مریم میرزا خانی منتشر خواهد شد.

